

درآمدهای دولت از افزایش نرخ ارز

چنانچه دولت در سایر اجزای منابع عمومی، یعنی درآمدهای عمومی و واگذاری دارایی‌های مالی با عدم تحقق روبه‌رو شود، می‌تواند با صرفه‌جویی در هزینه‌های جاری این عدم تحقق را جبران کند و در نتیجه مازاد منابع را صرف بازپرداخت بدهی دولت به بخش خصوصی شامل پیمانکاران، بانک‌ها و مؤسسات خصوصی، کارکنان و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی به‌ترتیب اولویت (مثلا پیمانکاران طرح‌های عمرانی با اولویت اصلی، پرداخت پاداش بازنشستگان با اولویت دوم و...) کند. حتی درصورتی‌که دولت نتواند در هزینه‌های جاری خود صرفه‌جویی کند و مازاد منابع جبران عدم تحقق سایر اجزای منابع عمومی را بکند، باید انتظار داشت که اعتبارات طرح‌های عمرانی (۶۰هزارمیلیارد تومان) به‌طورکامل هم‌حقیق شود.

دولت برای هزینه‌کرد منابع آزاد لایحه متمم بدهد

درهرصورت چنانچه دولت قصد اعمال تغییرات فوق را در قانون بودجه داشته باشد و نخواهد مازاد منابع را به حساب ذخیره ارزی واریز کند، باید لایحه متمم بودجه را به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند. شاید گفته شود نرخ تسعیر ۱۰هزار تومانی یا بازار آزاد برای تبدیل ارز حاصل از صادرات غیرمنطقی است، در جواب باید گفت فارغ از تأمین کالاهای اساسی که گفته شد با نرخ چهارهزارو ۲۰۰ تومانی محاسبه شود، درنظرگرفتن هر نرخی به‌جز نرخ بازار برای افرادی که قصد خروج سرمایه‌های خود از کشور را دارند، اعطای رانت به این افراد از جیب مردم کشور است.

انتقال بن بست بودجه به سال‌های بعد

افزایش هرازگاهی نرخ ارز نجات‌دهنده صوری بودجه است و بن‌بست بودجه را به سال‌های بعد منتقل می‌کند؛ اما اینکه در تسلسل تورم و افزایش منابع دولت از این محل، عاقبت کار به نفع دولت ختم شود، محل تردید جدی است، با این نرخ ارز، بن‌سخت بودجه سال ۱۳۹۸ به‌صورت حداقلی برای دولت کار سختی نیست. البته برای توصیه‌هایی که تاکنون مطرح شده مانند کاهش وابستگی بودجه به نفت، اخذ مالیات‌ها از بنیادها و نهادهای مختلف، تشکیل پرونده مالیاتی برای آحاد جامعه، جلوگیری از قاچاق و شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی به‌منظور تأمین هزینه‌های دولت صرفا از طریق اخذ مالیات و موارد دیگر نیز گوش شنوایی وجود نداشته است.

علوم اقتصادی مبتنی بر یک سری از فرض‌ها یا واقعیات (بدیهیات) است. مهم‌ترین یا اصلی‌ترین آنها این است که انسان موجودی عقلانی است که با هدف حداکثرکردن سود خود در جامعه فعالیت می‌کند. این انسان‌ها در سطح خرد منابع کمپاب را به خواسته‌ها و نیازهای نامحدود خود اختصاص می‌دهند. در سطح کلان نیز دولت به نمایندگی از مردم همین وظیفه را انجام می‌دهد. بعدها این مفاهیم توسعه پیدا کرد و مفاهیمی مانند نهادها و به‌تازگی سرمایه اجتماعی برجسته شد و اهمیت پیدا کردند. قوام و شیرازه اجتماع انسان‌ها سرمایه‌های اجتماعی است. دولت بدون پشتوانه سرمایه‌های اجتماعی نه قادر به اخذ مالیات و جلوگیری از قاچاق و نه قادر به برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی است. دولت بدون سرمایه اجتماعی توان سروسامان‌دادن به مشکلات ازجمله مشکلات بودجه‌ریزی کشور را ندارد.

در اینکه سرمایه اجتماعی کشور آسیب دیده، شکی نیست. هم مطالعات تجربی انجام شده و هم شواهد آن موجود است. یکی از این شواهد کاهش ارزش پول کشور از ۱۰ تومان در برابر هر دلار آمریکا در ابتدای انقلاب به ۱۷ هزار تومان در روزهای فعلی است. یکی از تعابیر این موضوع این است که افراد کشور مدام در حال تبدیل ریال به دلار و خارج‌کردن آن از کشور بوده‌اند.

دولت بدون پشتوانه مردم (سرمایه‌های اجتماعی) نمی‌تواند مشکلات را حل کند. همان‌طورکه سرمایه‌های اجتماعی یک‌روزه از دست نرفته، یک‌روزه نیز به دست نخواهد آمد. روند دهه‌های اخیر در جهت کاهش سرمایه اجتماعی بوده است. بازبایی سرمایه اجتماعی و برگرداندن اعتمادبه‌نفس مردم مستلزم معکوس شدن روندهای قبلی است. حالت بنیابینی وجود ندارد؛ یا ادامه سیاست‌های موجود یا تغییر سیاست‌های فعلی. کارنامه‌ی که به‌طور رسمی چنین تغییراتی اعلام نشود و مردم به مدت چند سال این تغییر سیاست‌ها را به‌طور ملموس مشاهده نکنند، انتظار بازبایی سرمایه اجتماعی و در نتیجه بهبود شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی (مانند اصلاح نظام بودجه‌ریزی، تقویت پول ملی، افزایش رشد اقتصادی پایدار، افزایش اشتغال، کاهش فقر و نابرابری و...) غیرواقعی و نامعقول است.

politics@sharghdaily.ir

پژوهشگران عربی در مناظره باحسین موسویان در واشنگتن:

ایران، آمریکا، برجام و منطقه در یک میزگرد



شرق: در روزهایی که دیپلمات‌های ایرانی در نیویورک مشغول رایزنی با مقامات دیگر کشورها هستند، در شهر دیگری از آمریکا یعنی واشنگتن میزگردی با موضوع ایران برگزار شد. میزگردی با حضور سیدحسین موسویان، دیپلمات سابق ایرانی و پژوهشگر ارشد دانشگاه برینستون، حسین ابییش، پژوهشگر ارشد مؤسسه دولت‌های عربی خلیج فارس در واشنگتن به عنوان مجری، باسما مومانی، از مرکز بین‌المللی نوآوری حکمرانی کانادا و علی آلفونه، پژوهشگر مؤسسه دولت‌های عربی خلیج فارس در واشنگتن، کارشناس‌ها در این میزگرد پیرامون مسائل و چالش‌های اخیر ایران به مناظره نشستند. موسویان ضمن تحلیل اثرات اقتصادی تحریم‌های آمریکا به تبیین سیاست خارجی ایران پرداخت. گفت‌وگوها در این مناظره درباره برجام و تعامل با آمریکا پیدا کرد. جایی که یکی از آنها معتقد بود همه جناح‌ها در ایران موافق تعامل و مذاکره با آمریکا هستند؛ موسویان او را به سفر تهران و قم دعوت کرد. جمهوری‌های دیگر این مناظره موضوعات منطقه‌ای و روابط ایران با کشورهای همسایه بود. جایی که طرفین یکدیگر را به چالش کشیدند. در ادامه بخش‌هایی از این مصاحبه را به گزارش «ایستا» می‌خوانید.

عالی ایران، از ابتدای مذاکره تأکید داشت که آمریکا قابل‌اعتماد نیست و مذاکره هم فایده‌ای ندارد. اکنون با خروج ترامپ از برجام، برای همه جناح‌های سیاسی ایران معلوم شده که نظر ایشان درست بود. دوم اینکه روابط ایران با بلوک شرق گسترش پیدا کرد و رهبری ایران هم رسماً اعلام کرد که روی روابط با غرب نباید حساب کرد و روابط با شرق توسعه یابد. سوم اینکه ایران بعد از انقلاب، فقط آمریکا و اسرائیل را دشمنان خصمانه تلقی می‌کرد؛ اما به‌تازگی عربستان و امارات هم در این فهرست قرار گرفته‌اند. این یک شیفت بزرگ در روابط ایران با همسایگان است. از نظر من روند فعلی در منطقه خیلی خطرناک است. چهارم اینکه واقعیت این است که آمریکا درباره برجام در سطح جهان منزوی شده است. ایران معتقد است که آمریکا در این جدال کاملاً شکست خواهد خورد؛ اما من معتقدم که اکثر کشورها وقتی بنا باشد بین روابط اقتصادی با آمریکا یا ایران، یکی را انتخاب کنند، آمریکا را انتخاب خواهند کرد؛ بنابراین آمریکا ضمن اینکه منزوی می‌شود، تحریم‌هایش اثر منفی بر اقتصاد ایران خواهد داشت. پنجم اینکه ایران اکنون سعی می‌کند روابط غرب منهای آمریکا را شکل دهد. به‌همین‌خاطر ایران روی اروپا سرمایه‌گذاری زیادی کرده است. ایران حاضر نیست هیچ گفت‌وگویی درباره منطقه با آمریکا داشته باشد؛ اما با اروپا درباره یم گفت‌وگو می‌کند. البته ایران درک می‌کند که اروپا به خاطر تأثیرات فرامرزی تحریم‌های آمریکا نخواهد توانست به تعداد صد درصد عمل کند؛ اما آیا اروپا می‌تواند حداقل ۵۰ درصد تعهدات خود را عملی کند.

ماجرای مذاکره با آمریکا

آلفونه: قبلاً حاکمیت ایران درمقابل فشار خارجی متحد عمل می‌کرد؛ اما الان خیر؛ چون جناح‌های سیاسی به دنبال قبضه قدرت در آینده هستند. اظهارات حسام‌الدین آشنا، مشاور روحانی و جهانگیری، معاون روحانی، مؤید این ادعاست. درباره نمایان‌نداشتن ایران برای مذاکره با آمریکا من به آقای موسویان مخالفم. آقای موسویان می‌گوید ایران علاقه‌ای به مذاکره ندارد. کافی است رسانه‌های ایران را بخوانید. آن وقت می‌بینید که حرف ایشان درست نیست. آقای روحانی خطاب به آمریکا گفت صلح با این مادر صلح‌ها و جنگ با ایران، مادر جنگ‌هاست. این گفته صدام بود؛ اما این حرف روحانی به معنی آمادگی برای گفت‌وگو با آمریکا‌ست. آقای طریف با تیلرسون سال گذشته در حاشیه اجلاس سازمان ملل دیدار داشته است. قاسم سلیمانی به‌تازگی تبادلات محرمانه آمریکا با ایران را فاش کرد و گفت شما آمریکایی‌ها به کمک ما احتیاج داشته‌اید. سیگنال او این بود که ما با صحبت کنید، نه با روحانی، بنابراین دو جناح می‌خواهند با آمریکا صحبت کنند و هر دو جناح هم مانع طرف مقابل می‌شوند.

موسویان: من باید این آقای آلفونه را به تهران و قم ببرم...
آلفونه: لطفا این کار را نکنید!
موسویان: دوم اینکه هیچ ملاقات دوجانبه‌ای بین تیلرسون و طریف صورت نگرفت. دیدار در قالب دیدار وزرای خارجه ۵+۱ با وزیر خارجه ایران بود که هر دو وزیر خارجه ایران و آمریکا هم به تشریفاتی‌های برگزارکننده جلسه تأکید کرده بودند که حتی صندلی‌شان نزدیک هم نباشد. سوم درباره علاقه ایران به گفت‌وگو با ترامپ این است که سال گذشته در جریان اجلاس سازمان ملل تیم ترامپ با تیم آقای روحانی مکرر تماس گرفت و پیشنهاد دیدار داد؛ اما روحانی رد کرد. ترامپ، مکرون، رئیس جمهور فرانسه و واسطه‌ها؛ اما باز هم روحانی رد کرد و جواب داد که با این سیاست‌های ترامپ، احدی در ایران با او گفت‌وگو نخواهد کرد. چهارم هم اینکه مطالبی که شما درباره علاقه سردار سلیمانی به مذاکره با

دیپلماسی

بهتر است نشست مشترک نهادهای امنیتی کشورهای حاشیه خلیج‌فارس تشکیل و از طریق گفت‌وگوی مستقیم، همه نگرانی‌های متقابل اعم از موضوع تغییر رژیم، مداخله، تروریسم و دزدی‌های دریایی بررسی شود.

مومانی: آنچه آقای موسویان پیشنهاد کرد به این‌زودی‌ها انتفاع نخواهد افتاد چون دعوا در منطقه گسترده شده است مثل بحران سوریه، عراق، لبنان، جنگ قومی، حمایت ایران از حزب‌الله، رهبر حزب‌الله رسماً گفت تا ایران هست ما هستیم.

آلفونه: مشکل برجام این بود که روحانی خواست اسرائیل و عربستان را دور بزند و مشکل با آمریکا را حل کند. این امکان‌پذیر نیست. باید بهبود روابط با آمریکا و عربستان و اسرائیل هم‌زمان باشد. تهران با یک زبان حرف نمی‌زند...

راه‌حل مشکلات ایران و کشورهای عربی

مومانی: داعش مسئولیت حمله اهواز را به عهده گرفت. مشکل اقلیت‌ها در اکثر کشورهای منطقه وجود دارد. تبعیض علیه اقلیت در کشورهای عربی هم وجود دارد.

آلفونه: هر وقت من این نوع عملیات تروریستی را می‌بینم شاهد هستم که مردم از حکومت مرکزی حمایت می‌کنند. من منتقد دولت ایرانم اما برای این‌گونه عملیات تروریستی تجزیه‌طلبانه متأسفم.

معتقدم که مرزاها در منطقه نباید تغییر کند.

جورج ماگزی: تنها راه‌حل مسئله ایران، حمله نظامی است چون ایران مسئول عملیات تروریستی است و برجام به ایران اجازه دخالت داد و...

مجری: ما قبول نداریم؛ جنگ راه‌حل مشکلات کشورهای عربی با ایران نیست.

مومانی: هیچ ارتش عربی وجود ندارد که بتواند ایران را ساقت کند. من حتی شک دارم که ارتش آمریکا هم قدرت چنین کاری را داشته باشد.

مجری: کاملاً درست است.

آغوش: ایران برای کمک به حل سیاسی بحران یمین بااست

استیو از مؤسسه اعراب: آقای موسویان! شما گفتید که ایران حاضر است در مورد یمین کمک کند. سعودی‌ها می‌گویند که حوثی‌ها گروه نیابتی ایران هستند.

موسویان: هرکس تاریخ یمین را خوانده باشد می‌داند حوثی‌ها و زیدی‌ها هزار سال بر یمین حکومت کردند تا مصر با تجاوز سال ۱۹۶۲ تلاش کرد آنها را قدرت ایران به آن واریز شود و وجه خریدهای ایران هم از آن برداشت شود. اما اروپا موفق نخواهند شد، چون جان بولتون صریحاً گفت که مانع خواهند شد. درعین‌حال چین و روسیه شرکای اصلی ایران‌اند که خودشان هم تحت تحریم آمریکا هستند و به تحریم‌های آمریکا می‌خواهند صندوق درست کنند که وجه صادرات ایران به آن واریز شود و وجه خریدهای ایران هم از آن برداشت شود. اما اروپا موفق نخواهند شد، کره و ژاپن خریداران نفت ایران هستند که تسلیم آمریکا خواهند شد. کمپانی‌های متوسط و کوچک اروپایی بعضاً کارخواهند کرد اما کمپانی‌های بزرگ مثل ایرباس با ایران کار نخواهند کرد. این یک ترازوی غمناک است که بونینگ و ایرباس با ایران کار نخواهند کرد، چون مشکلات هواپیماهای مسافری موجب افزایش خسارات انسانی ایران خواهد شد.

همکاری جمعی درمنطقه

مجری: انورقرقاش، وزیر مشار خارجی امارات، اخیراً مصاحبه جالبی داشت و گفت که کشورهای خلیج فارس باید در هر گفت‌وگویی جدید با ایران حضور داشته باشند؛ ضمن اینکه بین ایران و کشورهای خلیج‌فارس و ایران هم باید گفت‌وگو باشد و تغییر رژیم در ایران هم هدف آنها نیست. درعین‌حال حمله اخیر اهواز رخ داد و ایران کشورهای عربی و اسرائیل را متهم کرد. واکنش‌ها هم نشان می‌داد که برخی در کشورهای عربی از این حادثه خوشحال شدند. برای آینده چه باید کرد؟

موسویان: من معتقدم که ایران و عراق و کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس باید سیستم همکاری و امنیت جمعی منطقه‌ای را تشکیل دهند. امنیت قرضی جواب نمی‌دهد. اکیلسی‌ها رفتند و آمریکایی‌ها هم خواهند رفت و نباید دنبال قدرت خارجی دیگری بود. باید کشورهای منطقه خود عهده‌دار امنیت خلیج‌فارس شوند. پنج قدرت شورای امنیت مثل مذاکرات برجام هم باید از ایده سیستم همکاری و امنیت منطقه‌ای از سوی خود کشورهای منطقه حمایت کنند و در قطع‌نامه‌ای آن را تصویب است. این اساس کار برای ثبات و امنیت ماندنی در منطقه است. اما یک شبه درست نمی‌شود. بی‌اعتمادی‌های متقابل زیاد است. باید قدم‌های اعتمادساز متقابل برداشته شود. اولین قدم گفت‌وگوی مستقیم است. ایران و عربستان مهم‌ترین کشورهای حوزه خلیج‌فارس هستند. کشورهای عرب از قدرت ایران هراس دارند؛ درحالی‌که عربستان بر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس سلطه دارد. در نیمه دهه ۹۰ میلادی وقتی که با فهد، پادشاه عربستان، برای بهبود روابط گفت‌وگو داشتیم به من گفت که نهایتاً سه کشور ایران و عراق و عربستان باید برای امنیت خلیج‌فارس همکاری کنند، اما او گفت آمریکا نمی‌گذارد.

مومانی: رهبری جهان اسلام موضوع مناقشه ایران و عربستان است. عربستان معتقد است که متولی جهان اسلام است اما ایرانی‌ها زیر بار اینکه شیعه تحت رهبری عربستان باشد، نمی‌روند. عرب‌ها تمدن و تاریخ ایران را ندارند. اما یک مسئله اساسی این است که از این دعوا، آمریکا سود برده و با فروش صدها میلیارد دلار سلاح نان دعوا را می‌خورند. این اشتباه واشنگتن است که شرایط را بدتر کرده است.

شماره ۳۲۵۶

نقش منطقه‌ای پول ایرانی

در دهه اخیر قاچاق مواد و میعانات پتروشیمی‌ها هم به صادرات قاچاقی سوخت اضافه شده و در نتیجه به حجم واردات کالای قاچاق افزوده شده است. شرم باد بر این قاچاقچیان دوطرفه که در سال تولید و اشتغال حجم کالای قاچاق را افزوده و بر خیل بی‌کاران می‌افزایند. تفاوت بهای سوخت‌ها چنان است که سودی چندین برابر به دست می‌دهد؛ بنابراین می‌توانند کالای قاچاق وارداتی را زیر قیمت مبدأ در ایران بفروشند که هیچ تولیدکننده ایرانی را توان رقابت با آنها نیست. هنگام طرح «پروژه‌های ایران مرکز مبادله انرژی» در زمان پایان جنگ بر قدرت مبادله‌ای پول ایران در کشورهای همسایه افزوده شده بود؛ چندان که به‌ویژه در افغانستان، پاکستان، عراق و قفقاز برای مبادله بدینفته می‌شد. به‌نحوی‌که ریسال ایران به‌ویژه قطعه هزار تومانی پول مبادله‌ای منطقه‌ای بود و تا حدی دلار و به‌ویژه در تجارت مرزی جانشین شده بود و هنوز هم تا حدی هست. متأسفانه سیستم‌های بانکی، پولی و مقامات تجاری کشور به جای اینکه از منطقه‌ای شدن پول ملی ایران استقبال و دفاع کنند و به‌تدریج بر حجم قدرت این نقش بیفزایند، این فرصت را هم‌زمان با بازار انرژی‌شدن ایران دودستی تقدیم قاچاقچیان کرده‌اند. البته هیچ‌کس خود را مسئول این کاستی نمی‌داند و هرکس گرفتار بوروکراسی خویش است. ایران، بین همسایگان ۱۵گانه، تنها کشور منطقه است که می‌تواند صاحب پول منطقه‌ای باشد؛ ولی شرط لازم برای توفیق در این مهم، افزایش حجم مبادله تجاری با همسایگان و افزایش سهم منطقه‌ای ایران از تجارت جهانی است. بزرگ‌ترین پتانسیل مبادله تجاری با همسایگان هم در مبادله رسمی گاز، برق، فراورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی است. درصورتی‌که ایران نقش خود را در جانداختن پول منطقه‌ای درست بازی کند، پول ایرانی موجود در این کشور منبع بی‌ظنری برای اجرای پروژه‌های عمرانی، صنعتی و تجاری در این کشورها از سوی شرکت‌های ایرانی است که می‌توانند دریافت‌کنندگان این پول‌ها باشند. به دولت محترم توصیه می‌شود برای توفیق در این زمینه‌ها در سازمان‌های دولتی مربوطه تشکیلاتی زیر نظر رئیس جمهور به نحو ادغامی و به‌وجود آید که مستقل از این ارگان‌ها باشد و مصوبات امنیتی ملی هم بازمی‌گردد.

ادامه از صفحه ۴

مصائب ریال، حباب دلار

این اصول که از صافی روش‌شناسی علمی عبور کرده‌اند و دیگر کسی نمی‌تواند آنها را متمم به لفاظی و پندآموزی کند نیز به درستی گزاره پیش‌گفته مهر تأیید نمی‌زند. در اقتصاد واژه safe haven به معنی پناهگاه سکه زده شده که مصداق آن همین حفظ ارزش پول است. برای مثال، چنانچه دلار در معرض تهدید قرار گیرد، تقاضا برای طلا افزایش می‌یابد؛ چراکه این فلز کمپاب قیمتی، حکم پناهگاه را دارد؛ اما آیا دلار که تکه کاغذی بیش نیست و برخلاف طلا فاقد ارزش ذاتی است و باز هم برخلاف طلا هیچ کاربری‌ای به غیر از آنکه وسیله مبادله قرار گیرد، ندارد، می‌تواند پناهگاه ریال قرار گیرد؟ آیا مردم به ریسک‌هایی که اسکناس دلار را تهدید می‌کنند مانند قاچاق اعلام‌شدن آن از سوی نهاد قانون‌گذار، سرعت و آتش‌سوزی و از این قبیل فکر می‌کنند؟ آیا به احتمال تکرار رویدادهایی مانند کاهش دلار به یک چهارم و یک‌پنجم قیمت روز در پی پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ توجه کرده‌اند؟ آیا به سیاست شکست‌خورده فقیرکردن همسایه (beggar- thy-neighbor)، سیاستی که در تجارت بین‌الملل باب شد و بر آن بود که به قیمت فقیر و تنگدست‌شدن یک گروه (همسایه) برای دیگری (گروه خودی) نفع کسب کند، نظر انداخته‌اند؟ حال‌روز بازار فعلی ارز ایران این سیاست را که ترجمان «نعمت برای من و نعمت برای توه است، نداعمی می‌کند. هر یک ریالی که به ارز (مثلاً دلار) تبدیل بشود وزیر بالش می‌برد، به همان میزان موجب تقویت کشور صاحب ارز (آمریکا) و تضعیف اقتصاد کشورمان می‌شود؛ زیرا ریالی که به مصرف خرید دلار می‌رسد، آزاد می‌شود و مابازای کالایی یا خدماتی تقاضا می‌کند. اجابت تقاضا موجب کاهش موجودی کالا با خدمت مورد تقاضا به میزان ریال عرضه‌شده می‌شود. بدیهی است که با افزایش نرخ دلار در مقابل ریال، ریال بیشتری آزاد می‌شود، بدون آنکه به‌طور متقابل کالای بیشتری وارد اقتصاد کشورمان شود. این فرایند نامتعادل، موجی از گرانی را به بار می‌آورد و می‌تواند حتی به لحظاتی دامن بزند. از سوی دیگر، دلار خریداری‌شده و زیر بالش رفته هیچ مابازای کالایی و خدماتی‌ای طلب نمی‌کند و این با افزایش حق ارشیدیت (lord (seigneur right) دلار آمریکا منجر می‌شود یا به مقام پولی آمریکا امکان می‌دهد به میزان دلارهای را نادیده بگیرد و یا هیچ راهکاری برای آن قائل نباشد. امید آنکه توفیق یاری کند تا در یادداشت دیگری، به صورت مستقل به موضوع راهکارهای علمی و عملیاتی حفظ ارزش پول بپردازم.